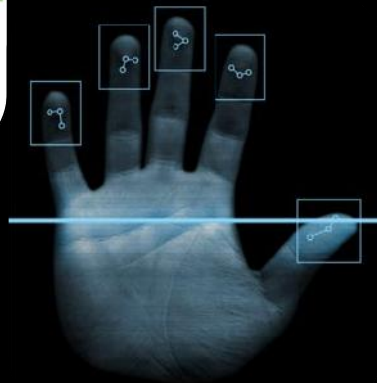


هو الحق

سلسله مباحثی در باب

جرم شناسی

استاد: جناب آقای دکتر بهیار مقیمی



تنظیم:

علی ابراهیمی دولت آبادی

خداوند عزوجل موجودی را به نام انسان خلق کرد، اولین انسان را حضرت آدم (ع) نام نهاد. **اولین اصلی** که خداوند به آدم هدیه کرد (اصل آزادی بود) یعنی به حضرت آدم (ع) فرمود: در بهشت آزادباش و از نعمات بهشت استفاده کن مگر آنچه که ممنوع کرده ام. تا اینکه خداوند حضرت حوا را آفرید. و با آفرینش حضرت حوا **دومین اصل** را به انسان هدیه نمود که (اصل مدنی الطبع) بود.

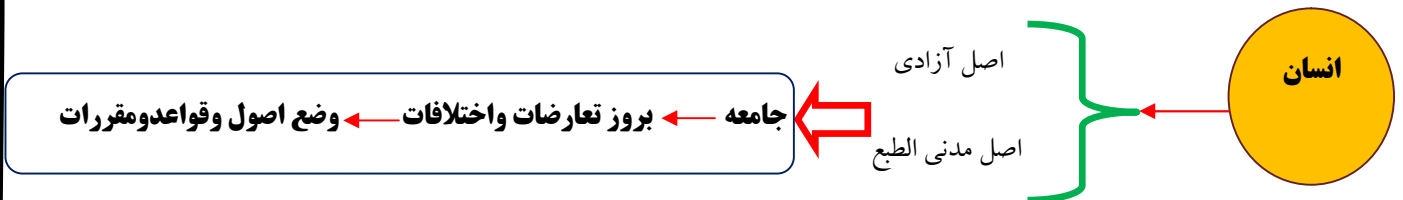
۱- اصل بر آزادی رفتار انسان مگر آنچه که به موجب قانون ممنوع شده است.

۲- اصل بر مدنی الطبع بودن انسان است، یعنی اجتماعی زندگی کردن است.

نکته:

با آفرینش حضرت آدم و حوا اولین کانون جامعه یعنی خانواده به وجود آمد. جامعه سرآغازی برای اعمال آزادی انسان و در نتیجه تعارضات و اختلافات میان آزادی انسانها در جامعه شکل گرفت، برای جلوگیری از این موضوع علمای جامعه اصول و قواعد و مقرراتی را وضع کردند، که در صورت بروز اختلافات میان انسانها بر مبنای آنها اختلافات و تعارضات را حل نمایند. با گذشت زمان گسترش جامعه بشری و تشکیل حاکمیت ها، اصول و قواعد بیشتری برای حل اختلافات وضع گردید و موجب شد حاکمیت ها قواعد و مقررات را به دو بخش تقسیم نمایند.

۱- دارای ضمانت اجرا (حقوق) ۲- فاقد ضمانت اجرا (اخلاق)



دارای ضمانت اجرا (حقوق)

فاقد ضمانت اجرا (اخلاق)

تقسیم اصول وقواعد و مقررات توسط حاکمیت ها به دو دسته:

✓ دارای ضمانت اجرا (حقوق): ضمانت اجرای را حاکمیت ها قبول کردند یعنی در صورتی که کسی آنها را اجرا نمی کرد توسط حاکمیت ها مجازات یا الزام به جبران خسارت یا ایفای تعهد می شد.

✓ فاقد ضمانت اجرا (اخلاق): ضمانت اجرای آن را بر عهده مردم (جامعه) قرار می دهند یعنی در صورتی که کسی آنها را اجرا نمی کرد توسط مردم تنبیه یا سرزنش یا ملامت قرار می گیرند.

نکته ۱: تفاوت بین قوانین اخلاقی و حقوقی در ضمانت اجرا است.

معانی کلمه

(حقوق)

- ✓ **جمع کلمه (حق) است** - حق یعنی امتیازی که شخص به موجب قانون، قرارداد، عرف و اخلاق، مذهب و... بدست می آورد مانند: حق مالکیت - حق زوجیت - حق اجاره
- ✓ **دستمزد - حق الزحمه**: پاداش (جزایی) که شخص در ازای انجام کاری یا فعالیتی و.. بدست می آورد.
- ✓ **علم و دانش شناخت قوانین** - دانشجوی حقوق - رشته حقوق - حقوق جزای عمومی
- ✓ **تشکیلات (سیستم)** - مجموعه یا سازمان حقوقی اعم از قوانین و مقررات، تشکیلات قضایی، فلسفه سیاست حقوقی و... می باشد. حقوق ایران - حقوق کامن لا - حقوق رومی ژرمنیو...

✓ حقوق به معنای علم و دانش شناخت اصول و قواعد و مقررات دارای ضمانت اجراست، که برای حل تعارضات و اختلافات در جامعه وضع شده است.

(علم شناخت قوانین (حقوق)) : با گذشت زمان و افزایش روابط اجتماعی و بوجود آمدن صنعت و تکنولوژی موجب وضع قوانین تخصصی در حوزه های مختلف اجتماعی گردید و این امر سبب ایجاد رشته های حقوق شد و در نتیجه علما برای شناخت بهتر قوانین حقوق را به دو دسته تقسیم نمودند:



✓ حقوق خصوصی (داخلی-ملی) : اختیاری، تکمیلی، ارشادی است.

✓ حقوق عمومی (داخلی-ملی) اجباری، الزامی، آمرانه، دستوری است.

حقوق مدنی
حقوق داخلی خصوصی
حقوق تجارت
حقوق خانواده

حقوق اساسی
حقوق داخلی عمومی
حقوق جزا
حقوق مالیه
حقوق آیین دادرسی ها

حقوق بین الملل خصوصی
حقوق بین الملل خصوصی
حقوق تعارض قوانین

حقوق بین الملل عمومی
حقوق بین الملل عمومی
حقوق جزای بین الملل

****سوال:** جایگاه جرم شناسی را در علم حقوق تعیین نمائید؟ (۲نمره)

به ماهیت اختصاص دارد

ماهوی

شکلی

اصلی

1- حقوقی

فرعی - بنا به نیاز جامعه وضع می شود

حقوق جزا

(جنایی)

کیفری

- 1- جرم - حقوق جزای عمومی 1
- 2- مجرم - حقوق جزای عمومی 2
- 3- مجازات - حقوق جزای عمومی 3

عمومی

اختصاصی

- 1- جرایم علیه اشخاص - حقوق جزای اختصاصی 1
- 2- جرایم علیه اموال و مالکیت - حقوق جزای اختصاصی 2
- 3- جرایم علیه آسایش عمومی - حقوق جزای اختصاصی 3

- 1- نهاد تعقیب (دادسرا) - آیین دادرسی کیفری 1
- 2- نهاد صدور حکم (دادگاه) - آیین دادرسی کیفری 2

حمایت از افراد خاص
اطفال
نظامیان

حمایت از علم و فن خاص
جرایم اینترنتی
جرایم ماهواره ای

کشف علمی جرایم (پلیس علمی)

پزشکی قانونی

اثبات

2- تجربی

جرم - جرم شناسی

مجرم - جامعه شناسی کیفری

مجازات - کیفرشناسی

تحلیل و تفسیر

3- فلسفه - فلسفه کیفری به دنبال چیستی است

پیشگیری
سرکوب ردن

تدبیر

4- سیاسی سیاست کیفری (جنایی) - مصلحت اندیشی

(سیاست: یعنی مصلحت اندیشی - (دیدن عقبه موضوعی))

جرم شناسی

کلیات

۱- جایگاه

- ۱- مرحله جرم انگاری
- ۲- قلمرو (جرم شناسی)
- ۳- مرحله واکنش اجتماعی

۳- شفافه های جرم شناسی

- ۱- نظری
 - مقدمه
 - انواع جرم شناسی نظری
 - از لحاظ تعداد مجرمین (کمّی)
 - از لحاظ اصول کلی علمی (کیفی)
- ۲- عملی (کاربردی)
 - مقدمه
 - اقدامات

خُرد
کلان
اختصاصی
عمومی

۴- مفاهیم

لغت } جرم شناس

اصطلاح:

علم بررسی پدیده مجرمانه
ارکان

حقوق = ماده ۲ ق.م.ا
جامعه شناسی - انحراف
جرم شناسی

مفهوم مجرم

علم بررسی پدیده مجرمانه که پدیده مجرمانه یک واقعیت انسانی-اجتماعی دارد و دارای چهار رکن است.

۵- سیر تحول جرم شناسی

اصالت سوهمندی
باستان } عدالت مطلق - کلاسیک
انتقادی (نئوکلاسیک)
معاصر - علمی یا تجربی

بزهکاری } مفهوم
لغت } اصطلاح
معیار سنجش
طبقات بزهکاری

۶- رابطه با سایر رشته های حقوق

مقدمه

انواع

- ۱- زیست شناسی
- ۲- روان شناسی
- ۳- روان شناختی
- ۴- روان اجتماعی
- تحلیلی
- ساختاری
 - ۱- توصیف های عینی
 - ۲- توصیف های ذهنی
- کسین برگ - نظریه ساختار شخصیت بزهکار
- ژان پی نائل - نظریه هسته مرکزی شخصیت بزهکار

- ۱- شخصیت بزهکار
- ۲- وضعیت بیش جنایی
- در لحظه ارتکاب جرم
- شکل گیری شخصیت

فرایند به قطعیت رسیدن جرم (دینامیک جرم)

پیشگیری

مفهوم } لغت اصطلاح
طبقه بندی
مبانی
اصول حاکم
انواع

اصطلاحات (واژگان) خاص

قلمرو جرم شناسی: جرم شناسی در سه مرحله وارد حقوق می شود و به مطالعه می پردازد:

۱-مرحله جرم انگاری: یعنی زمانی که قوانین و مقررات به صورت عام وضع می شود.

۲-مرحله ارتکاب جرم: یعنی مرحله ای که جرمی انجام می شود که قانون آن انجام آن را منع کرده است. **مثال:** داشتن ماهواره.

۳-مرحله واکنش اجتماعی علیه جرم: در این مرحله پس از جرم انگاری، فرد مرتکب عملی که جرم است می شود و سپس واکنش اجتماعی صورت خواهد گرفت.

نکته: ضمانت اجرای واکنش اجتماعی، طراحی شده در حقوق کیفری کلاسیک مجازات بود. (سرکوب گرایانه) اما بعد از قرن

۱۸ ضمانت اجرای اقدامات تأمین و تربیتی هم در حقوق کیفری به وجود آمد.

مقدمه: جرم شناسی نظری به دنبال یک سوال است: که چرا **جرم** واقع شده است؟ **مثلاً:** بررسی می کند چرا در فصل تابستان

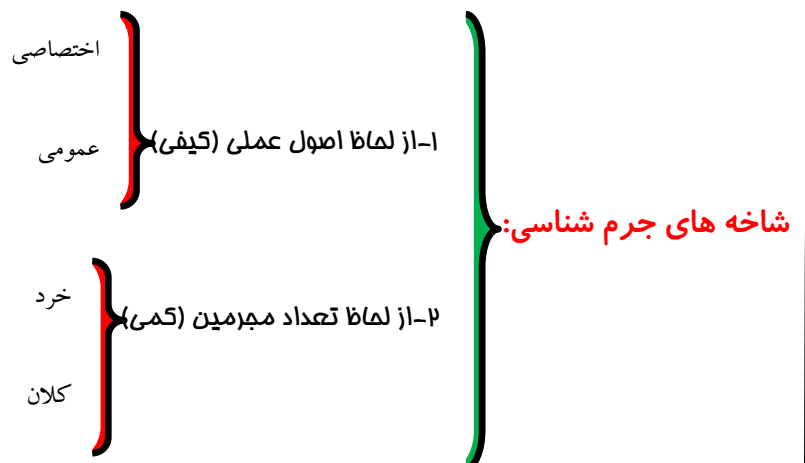
در مناطق جنوبی جرائم علیه اشخاص بیشتر است یا چرا در فصل زمستان در مناطق شمالی جرایم علیه اموال بیشتر است. در یک کلام تأثیر آب و هوا را بر میزان بزهکاری بررسی می کنیم.

برای پاسخ به این سوال جرم شناسی نظری به دو نوع تقسیم می شود یکی از لحاظ تعداد مجرمین تقسیم بندی می شود یعنی

(کمی) که به دو دسته تقسیم می شود ۱-جرم شناسی خرد ۲-جرم شناسی کلان

در جرم شناسی نظری خرد، جرم را به عنوان یک پدیده نظری در نظر می گیریم که چرا (A) مرتکب فلان جرم شد؟ اما در جرم

شناسی کلان به انبوه مجرمین یک جرم توجه می کنیم چرا مردان بیشتر جرائم علیه اشخاص را مرتکب می شوند؟



از لحاظ اصول کلی عملی (اختصاصی): یعنی جرم شناسی از یک زاویه علمی خاص جرم را تفسیر می کند مانند رشته های روان

شناسی، جامعه شناسی، زیست شناسی و...

از لحاظ اصول کلی عملی (عمومی): جرم شناسی نظری عمومی از نتایج رشته های علمی دیگر در برخورد با جرم استفاده می

کند و به صورت اصول کلی ارائه نظر می دهد یعنی جرم شناسی عمومی نتایج حاصل از جرم شناسی اختصاصی را به صورت منظم و هماهنگ در می آورد و بعد آن را به عنوان جرم شناسی بالینی یا عملی یا کاربردی به کار می برد.

عملی (کاربردی):
مقدمه
اقدامات

مقدمه: جرم شناسی علمی کاربردی به دنبال یک سوال است چگونه می توان از جرم جلوگیری کرد. برای پاسخ به این سوال،

جرم شناسی کاربردی به شدت وابسته به جرم شناسی نظری است، چون تا علت را ندانیم نمی توانیم جلوگیری کنیم از جرم.

اقداماتی که باید صورت گیرد در جرم شناسی عملی: در جرم شناسی عملی یا کاربردی در یک اقدام واکنشی به مجرم و جرم

در مقام جلوگیری از تکرار جرم هستیم. اما در جرم شناسی نظری به دنبال یک اقدام کنشی هستیم یعنی باید یک جرم اتفاق

بیافتد، یک جرمی واقع بشود تا بتوانیم در مقام اصلاح مجرم بر آییم چون در غیر اینصورت آزادی های فردی را محدود یا سلب

می کنیم که این مخالف اصل آزادی افراد است. در یک کلام در جرم شناسی عملی یا کاربردی جنبه کنشی وجود ندارد بلکه

جنبه واکنشی است. ((این نظریه ایتالیایی ها است)) بنابراین از اواخر دهه ۱۹۸۰ جرم شناسان به این اعتقاد رسیدند که شاخصه های

جرم شناسی کاربردی سه گانه است:

۱- انتقادی: یعنی نحوه مقابل جامعه با جرم را باید از نگاه انتقادی (رادیکال) بررسی کنیم. جرم شناسی رادیکال یا انتقادی جزو

جرم شناسی نظری است و معتقد است حقوق کیفری باید متحول شود و انعطاف پذیر باشد.

نکته: آقای گِسن جرم شناس (رادیکال یا انتقادی) را ابتدا جرم شناسی حقوقی گفته است ولی بعد از سال ۲۰۰۳ اصطلاح جرم

شناسی سیاست جنایی و تکنیک ها (فنون های) کیفری به کار برده است و معتقد است برفورد انتقادی نسبت به نهاد های حقوق

کیفری و سیاست جنایی به طور کلی نخستین اقدام کاربردی جرم شناسی بوده است.

نکته: سیاست جناحی بالینی موفق نبود، چون عده ای از مجرمین دوباره به فرایند کیفری باز می گردند.

۳- پیشگیری: یعنی پیشگیری از وقوع جرم یعنی قبل از اینکه نیاز به مداخله نظام کیفری باشد باید اقداماتی در جهت خشکاندن ریشه جرم یا محدود کردن زمینه های ارتکاب آن انجام می گیرد. یعنی جرم شناسی سیاست جنایی و حقوق کیفری، این جرم شناسی قدمتی ۱۲۰ ساله دارد و معتقد است جامعه در کنار نقد نظام کیفری (جرم شناسی کیفر) و اصلاح و درمان مجرمان (جرم شناسی بالینی) در یک اقدام کنشی یعنی پیشگیرانه باید در مقابل مقابله با جرم بر آید.

✓ ویژگی های جرم شناسی:

۱- جرم شناسی یکی از شاخه های علوم جنایی تجربی است.

۲- جرم شناسی یک علم و دانش مرکب است (یعنی از علوم مختلف استفاده می کند) اما هویت مستقل دارد درعین حال شدیداً وابسته به سایر رشته هاست.

۳- جرم شناسی دارای روش تجربی و استقرایی (جزء به کل) است بر خلاف حقوق کیفری که منطقی و تحلیلی است و گاهی قیاسی.

۴- جرم شناسی یک علم نظری و کاربردی است.

۵- جرم شناسی یک علم توصیفی است نه هنجاری و تجویزی.

۶- جرم شناسی تنها دانشی از علوم جناحی است که به بررسی علل جرم می پردازد.

۷- جرم شناسی دارای اصطلاحات و واژگان خاص علمی است.

۸- جرم شناسی دانش انتقادی است یعنی وضع موجود را به انتقاد می گیرد و از عملکرد گلایه می کند.

۹- جرم شناسی نگاه پُروسه ایی و فرایندی به جرم دارد.

نکته: جرم در حقوق کیفری به معنای هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.

❖ **جرم شناسی از دو کلمه جرم + شناس تشکیل شده است.**

واژه شناس: شناس یعنی شناختن، آشنا، مثلاً می گویند صدای یک شناس به گوش می رسد.

یک معنای دیگر واژه شناس: پسوند است، مثل کارشناس، خدانشناس و...

واژه شناس در جرم شناسی: یعنی شناساندن جرم

تعریف جرم شناسی در اصطلاح: یعنی علم بررسی پدیده مجرمانه

نکته:

پدیده مجرمانه یعنی اینکه دو وجه دارد: ۱- یعنی ما با یک موجودی سر و کار داریم که دارای عقل و شعور است (یعنی یک واقعیت انسانی است). یعنی اینکه عمل مجرمانه را فردی انجام داده که دارای عقل، شعور و فهم و درک است پس باید به این انسان توجه کنیم.

۲- از یک طرف هم واقعیت اجتماعی فرد است یعنی اینکه این جرم در اجتماع پدید آمده است و ما بر مبنای آن، جرم می دانیم به عبارت دیگر یعنی اجتماع می خواهد که این عمل جرم باشد.

❖ **بزه در جرم شناسی یعنی چه؟**

بزه در حقوق: ماده ۲ ق.م.ا (هر رفتاری که در قانون برای آن مجازات تعیین شده و انجام آن منع گردیده)

بزه در جامعه شناسی: در جامعه شناسی هر جامعه ای برای خود دارای ارزش های اساسی است که نقض آن در حقوق جزا است.

☑ **در خصوص اینکه جرم در جامعه چگونه به وقوع می پیوندد دورکیم دو نظریه دارد:**

نظریه اول: آنومی یا خلاء هنجاری وی معتقد است جرم عملی است که حالات قوی وجدان جمعی را خدشه دار می کند به نظر زمانی خلاء هنجاری به وجود می آید که وجدان و خرد جامعه پاره پاره شود و افراد بین بایدها و نبایدها در نوسان باشد.

نظریه دوم: نظریه به هنجار و نرمال، جرم عملی است به این علت که دو کارکرد دارد: ۱- جرم باعث می شود غیر جرم را بشناسیم ۲- جرم در واقع نشانگر تحول اخلاق و ارزشهای جامعه اجتماعی است.

❖ **در جامعه شناسی واژه ای داریم به نام انحراف:** هر جامعه ای برای خودش یکسری ارزش ها دارد که به آن نرم یا هنجار می گویند. اگر افراد آنها را بپذیرند به آنها جامعه پذیر می گویند و اگر آنها را نپذیرند به آنها جامعه ستیز می گویند و کسی که از این هنجارها تخطی می کند به عنوان منحرف معرفی می شود. انحراف حاصل یک فرایند است که مربوط است تولد و به فعل آوری اندیشه مجرمانه، در جرم شناسی انحراف را هم مورد مطالعه قرار می دهیم زیرا انحراف به معنای دور شدن از یک هنجار و پشت کردن به آن است با این تفاوت که انحراف دارای برخی ضمانت اجرای قبیح و سرزنش اجتماعی است اما جرم دارای ضمانت اجرای کیفری است.

نکته: در مقوق کیفری تمایل به جرم انگاری پاره ای از انحرافات به عنوان مانع و بازدارنده از جرم است، یعنی عمل فی نفسه یا فی ذاته دارای قبح اجتماعی نیست ولی استمرار آن فرد را در معرض ارتکاب جرم قرار می دهد. مانند: رانندگی با سرعت غیر مجاز در مورد انحراف در جامعه دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه جرم شناسان آرمان گرا: این جرم شناسی نوید جامعه آری از جرم را می دهند که نظریات آنها نتوانست به این آرمان جامعه عمل بپوشاند در نتیجه این مکتب منسوخ شد آنان معتقد بودند براوردن نیازهای حیاتی جامعه باعث می شود که افراد در هنجارهایشان تغییری ندهند در نتیجه با هر چیزی که باعث تغییر در هنجارها می شد مخالف بودند.

۲- دیدگاه جرم شناسان واقع گرا: این جرم شناسان معتقدند باید زمینه کاهش جرائم را در سطحی فراهم کرد که برای عموم جامعه قابل تأمل باشد.

نکته: هر جرمی انحراف است ولی هر انحرافی جرم نیست یعنی ممکن است بحث های جرم شناسی و جامعه شناسی تداخل داشته باشد.

نکته: بحث جرم و انحراف یک امر نسبی است یعنی ممکن است جرم در مرور زمان جرم بودن را از دست بدهد ولی از منظر جامعه انحراف باشد یا بلعکس آن مثل: یک عمل در یک زمان جرم است ولی جرم بودن خودش را از دست می دهد. ولی جامعه هنوز آن را به عنوان یک انحراف می داند. مثل: معتادین

پیشگیری از انحراف یا اصطلاحاً کنترل اجتماعی: علما معتقدند کنترل یا مراقبت به دو دسته ابزار تقسیم می شوند:

۱- **ابزارهای اغنا آور** (یعنی کنترل های درونی یعنی کنترل اجتماعی درونی) یعنی ابزارهایی که برای همونوا کردن اعضاء جامعه با هنجارهای آن گروه یا جامعه جنبه درونی و خودی دارد. **مثلاً:** در جوامع کوچک و سنتی افراد نسبت به یکدیگر نظارت دارند که این نظارت ناخود آگاه، نانوشته، محلی و غیر الزام آور است.

۲- **ابزارهای قهر آمیز** یا کنترل اجتماعی بیرونی یعنی ابزارهایی که برای همونوا کردن اعضاء جامعه با هنجارهای آن جنبه بیرونی دارد، بیشتر در جوامع متسکر و بزرگ وجود دارد. **مثل:** پلیس، نیروی انتظامی هر چند در این جوامع ابزارهای مدرن رفته، رفته جایگزین این کنترل ها می شود مانند: دوربین های مدار بسته.

نکته: جرم شناسان آمریکایی معتقدند که کنترل اجتماعی به معنای ابزارهای قهر آمیز وجود ندارد بلکه جامعه به عنوان یک شخصیت مستقل دارای تأثیر سامانده و کنترل کننده است اما جرم شناسان فرانسوی معتقدند که کنترل اجتماعی در جامعه نهفته نیست بلکه جامعه در اوج قدرت نیاز به مراقبت دارد و باید این کنترل نهادینه شود که این کنترل به سه شکل واکنش نشان می دهد:

۱- **جنبه اجتماعی:** مثل مجازات ها و اقدامات تأمینی

۲- **جنبه عمومی:** مثل محرومیت از حقوق مدنی

۳- **جنبه تحت نظارت و کنترل قراردادن دیگری** یعنی خنثی کردن حالت منحرفانه و خطرناک به عبارت دیگر یعنی به هنجار سازی و آشنا سازی فرد با هنجارهای جامعه **مانند:** طفل در معرض خطر و حالت خطرناک که در حقوق ایران هر دو مورد پیش بینی شده است. (ماده ۱۱۷۳ ق.م در مورد طفل در معرض خطر و ماده ۳ آیین نامه پیشگیری از اعتیاد و درمان معتادان و حمایت از افراد در معرض اعتیاد).

❖ **واژه دیگری که در جامعه شناسی داریم به نام ناسازگاری است:** یعنی فرد با شرایط اجتماعی حاکم بر اطراف خود توانایی انطباق و همنوایی ندارد. عدم انطباق بیشتر در مورد اطفال به کار می رود. برخی از علما معتقدند جرم سه مرحله دارد:

۱- ناسازگاری اجتماعی که شروع به آن در مرحله کودکی و نوجوانی است.

۲- انحراف که در دوره جوانی است.

۳- جرم که در دوران بزرگسالی است.

نکته: بزه گاهی به عنوان گناه به کار می رود که یک واژه اخلاقی و دینی است به معنای تفلط از معیارهای اخلاقی و دینی است که ممکن است جرم باشد یا نباشد.

بزهکار: در حقوق جزای کلاسیک اصل بر این است که بزهکار دارای اراده آزاد است و اخلاقاً باید مجازات شود مگر اینکه اراده اش مخل شده باشد در حقوق جزای کلاسیک فقط به جرم توجه می شد یعنی در حقوق جزای کلاسیک جرم یک سببه اخلاقی داشته، یعنی اگر کسی مرتکب جرم می شد باید مجازات می شد.

اما در حقوق جزای نوین علاوه بر آزادی اراده به مجرم هم توجه شد و سبب گردید در حقوق جزا نهادهایی مانند کیفیات مخففه، تکرار جرم، آزادی مشروط، تعلیق مجازات، مجازات های جایگزین حبس و... ایجاد شود. در جرم شناسی علاوه بر جرم به مجرم یا همان بزهکار توجه می شود به این صورت که شخصیت مجرم کشف می شود. (پرونده شخصیت تشکیل می شود) که این منجر به شاخه ای در جرم شناسی شد شاخه ای به نام **شخصیت شناسی** که این علم بر اساس وجوه مشترک مجرمین آنها را طبقه بندی می کرد و موجب شناسایی مجرمان می شد. زیرا هر شخصیتی یک رفتاری انجام می دهد و بر اساس آن یک نوع تیپولوژی ایجاد شد. که تیپولوژی رشته ای در جرم شناسی شد که کار آن بررسی رابطه بین بدن انسان و رفتارهای مجرمانه است. مثلاً شیل دون آمریکایی معتقد بود در جامعه آمریکا سه تیپ بدنی داریم:

۱- **فربه تنان** (چاق ها) که بیشتر جرایم الکلی و جنسی انجام می دهند.

۲- **اندام های استخوانی** (درشت اندام ها) که بیشتر جرایم خشونت آمیز مرتکب می شوند.

۳- **لاغر اندام ها** که بیشتر جرایم مالی، حيله گری انجام می دهند.

نکته: لومبروزو همین نظریه را دارد. کرشمر آلمانی نیز همین نظریه را دارد.

کلیات

مقدمه

قلمرو

شاخه ها

ویژگی ها

لغت

اصطلاح

مفاهیم

ارکان

سیر تحول

رابطه با سایر رشته ها

علم برری پدیده مجرمانه

بزه

مفهوم مجرم

لغت

مفهوم

اصطلاح

بزهکاری

بزهکار

معیار سنجش

- ۱- آمار قضایی (دادگستری)
- ۲- آمار اداره زندانها و سازمان های اقدامات تأمینی و تربیتی
- ۳- آمار ظاهری (پلیسی)

طبقات بزهکاری

- ۱- براساس کیفیت
 - ۱- بزهکاری خشونت آمیز
 - ۲- بزهکاری خودعه آمیز
- ۲- بر اساس طبقه اجتماعی
 - ۱- بقیه سفیدان
 - ۲- بقیه آبی ها
- ۳- بر اساس تکرار جرم
 - ۱- بزهکاری حرفه ای یا به عادت
 - ۲- بزهکاری اتفاقی
- ۴- بر اساس جنس
 - ۱- بزهکاری زنان
 - ۲- بزهکاری مردان
- ۵- بر اساس سن
 - ۱- بزهکاری اطفال
 - ۲- بزهکاری بزرگسال

بزه‌دیده

مفهوم

لغت

اصطلاح

طبقه بندی

توسط انسان

توسط طبیعت

خودش

دیگران

۱- ساختار

۲- جرم

۳- اعمال غیر مجرمانه

تفاوت

حقوق جزا

جرم شناسی

بزه‌دیده شناسی

۱- در مکتب کلاسیک

۲- در مکتب تحقیقی

۳- نکته مهم

محیط (یعنی نقش جامعه در وقوع جرم)

☑ مفهوم بزهکاری :

بزهکاری در لغت: بزهکاری به سه معنا در کتابهای جرم شناسی به کار رفته است: ۱- مجرمیت ۲- تبهکاری ۳- جنایت کاری

بزهکاری در اصطلاح: یعنی مجموعه جرائمی که در یک زمان معین و در یک مکان معین به وقوع می پیوندد یعنی یک مفهوم جمعی دارد.

نکته: برای به دست آوردن بزهکاری دو معیار داریم: ۱- معیار کمی ۲- معیار کیفی یا (آمار جنایی، یعنی استفاده از علوم ریاضی و محاسبات در مطالعه پدیده مجرمانه).

*** سوال:** آمار جنایی یعنی چه؟ اولین شخص که او را به کار برد چه کسی بود؟ نخستین بار در کجا استفاده شد؟

آمار جنایی یعنی استفاده از علوم ریاضی و محاسبات در مطالعه پدیده مجرمانه، اولین شخص که از آمار و ریاضیات در جرم شناسی استفاده کرد کتله بلژیکی و همکار فرانسویش گری بودند و نخستین بار هم در دادگستری فرانسه در سال ۱۸۲۵ و ۱۸۲۶ استفاده شد. کتله و گری معتقد بودند آمار جنایی احصاء کردن (برشمردن) اعمالی است که جرم تلقی می شود و برای آن ضمانت اجرا پیش بینی شده است.

☑ انواع آمار جنایی:

۱- آمار قضایی که به آن آمار دادگستری هم می گویند:

منظور مجرمینی که در دادگستری مورد تحقیق و بازجویی قرار گرفته اند.

ایرادات آمار قضایی:

۱- این آمار شامل جرایمی است که در یک زمان و مکان به وقوع پیوسته است نمی شود چون تنها جرایمی را در بر می گیرد که مورد رسیدگی واقع شده یعنی آمار واقعی بزهکاری نیست.

۲- این آمار شامل افرادی که تبرئه می شوند نمی شود.

۳- در مورد محل وقوع جرم اطلاعات دقیق نمی دهد.

۴- این آمار بیانگر این است که رویه قضات است. در نتیجه بعضی از قضات سخت گیر هستند بعضی هم سهل گیر و به همین دلیل سخت گیرها آمار بالایی دارند و سهل گیرها پایین.

۲- آمار اداره زندان ها و سازمانهای اقدامات تأمینی و تربیتی:

آمار زندان ها آمار کسانی است که در بازداشت قرار دارند به حکم قطعی دادگاه.

ایراد آمار اداره زندان ها و سازمانهای اقدامات تأمینی و تربیتی:

شامل کسانی که محکوم به حبس می شوند اما با پرداخت جزای نقدی به زندان نمی روند نمی شود.

۳- آمار ظاهری (پلیسی):

آمار پلیسی آمار افرادی است که در رابطه با جرم بزهکاری و انحراف توسط نیروی انتظامی دستگیر می شوند و ممکن است به مرحله دادرسی و محکومیت نرسند.

ایراد آمار ظاهری (پلیسی):

این آمار نمی تواند بیانگر میزان بزهکاری باشد زیرا این آمار بیانگر میزان فعالیت ارگانها و اعمال کنترل اجتماعی است.

☑ نتیجه گیری:

باتوجه به اینکه این سه نوع آمار کامل نبود و هر کدام دارای ایراداتی بودند به سراغ آمار کیفی می رویم.

❖ آمار کیفی:

منظور از آمار کیفی یعنی مطالعه جرم باتوجه به تعداد محکومیت ها انواع آنها، نوع جرائم ارتكابی یا اتهامات و میزان وقوع آنهاست در روش کیفی جرم شناس مستقیماً با پرونده ها، مجرمین ارگانها و کسانی که با بزهکاری مواجه هستند ارتباط دارد.

☑ انواع روش های آمار کیفی:

۱- مطالعه پرونده های کیفری بایگانی شده: یعنی در یک پرونده علاوه بر هویت متهم یک سلسله اطلاعات حقوقی و کیفری وجود دارد که می تواند در مقام مطالعه مورد توجه جرم شناس قرار گیرد **مانند** خصوصیات مجرمین یک دوره ، یک حوزه قضایی و... در حقیقت مقایسه مجرمین صورت می گیرد. **مثل:** مجرمین مهاجر یا بومی.

۲- مصاحبه: هدف در مصاحبه جبران عیوب روش های مطالعاتی کمی است. **مثلاً** جرمی واقع می شود اما به مراجع صالحه منعکس نمی شود. می تواند به هر دلیلی باشد. **مثل:** آبرو، ناموس و...

۳- کسب نظر متخصصان: هدف استخراج و کسب نظر از متخصصان بزهکاری یا مدیران حوزه پدیده بزهکاری **مانند** پلیس، وکلا، انجمن های حمایتی است. مثلاً حمایت از زندانیان و...

۴- مطالعات تعقیب کننده پیگرد در زمان: هدف این است که بعد از اتمام مجازات نسبت به محکوم، به منظور تأثیر مجازاتی که در ذهنیت مجرم صورت می گیرد.

۵- تک نگاری یا مونو گرافی: هدف کشف یکسری واقعیت های خاص **مثل:** جرم صدق جنین یا زنا و.. در مورد مجرمین صورت می گیرد.

☑ رقم سیاه:

آمارهای به دست آمده فوق بنا به دلایلی نرخ واقعی بزهکاری را نشان نمی دهد و بخشی از بزهکاری در تاریکی می ماند که به آن رقم سیاه می گویند. **مانند:** جرایم روابط نامشروع.

نتیجه گیری: پس ما دو نوع بزهکاری داریم: ۱- بزهکاری قانونی یا قضایی ۲- بزهکاری پلیسی یا ظاهری

هر چند جرم شناسان برای رسیدن به رقم بزهکاری واقعی سعی کرده اند از روش های دیگری نیز استفاده نمایند. مانند:

۱- **روش پرس وجوه:** عبارت است از تهیه پرسش نامه و توزیع در بین یک گروه. فرد بنا به اعتمادی که دارد به وقوع جرم اعتراف می کند بیشتر در بزهکاری اطفال مورد استفاده قرار می گیرد.

۲- **روش مبتنی بر اظهارات مجنی علیه (کسی که جرم بر او واقع شده):** در این روش متوسل به مجنی علیه می شوند که جرم را بنا به مصالحی به پلیس اطلاع نداده است. مثل: جرائم خانوادگی، ناموسی و...

✓ طبقات بزهکاری:

طبقات بزهکاری به دو روش انجام می گیرد: ۱- **معیار قانونی** ۲- **پیامدهای جرم**

۱- **معیار قانونی:** یعنی طبقات بزهکاری را بر اساس قانون تقسیم می کند. **مثلاً** جرائمی که در صلاحیت دادگاه های کیفری ۱ است و جرائمی که در صلاحیت دادگاه های کیفری ۲ است. این را به به سبک و سنگین طبقه بندی می کنند و نتیجه را مشخص می نمایند.

۲- **پیامدهای جرم:** معیار بر اساس زیان ها و ضررهایی است که یک جرم به جامعه می رساند. **مثل:** اختلاس، کلاهبرداری و..

✓ انواع طبقات بزهکاری:

۱- **بر اساس کیفیت بزه به دو طبقه تقسیم می شود:**

۱- بزهکاری خشونت آمیز که شامل جرائم علیه اشخاص است

۲- بزهکاری خودعه آمیز (نیرنگ آمیز، حيله گرانه)

۲- **بزهکاری بر اساس طبقه اجتماعی:**

۱- یقه سفیدان، افرادی هستند که از لحاظ ظاهری آراسته اند، دارای نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی هستند و راه فرار در

مقابل قانون را خوب می دانند و بیشتر جرائم مالی مرتکب می شوند.

۲- یقه آبی ها، که بیشتر طبقه کارگر و زحمت کش هستند، بپتر جرائم خشونت آمیز و جرائم مالی سبک.

۳- بزهکاری بر اساس تکرار جرم:

۱- بزهکاران حرفه ای یا به عادت.

۲- بزهکاری اتفاقی.

۴- بزهکاری بر اساس جنس:

۱- بزهکاری زنان

۲- بزهکاری مردان

نکته ۱: جنس اگر به معنی sex باشد یعنی تفاوت های تکوینی که موضوع جرم شناسی است، اگر به معنای تفاوت های وظایفی زن و مرد باشد می شود موضوع حقوق جزا. **مثلاً:** ویژگی بزهکاری زنان ۱- بزهکاری زنان خیلی کم تر از مردان است ۲- بزهکاری زنان بیشتر جرائم جنسی و اخلاقی است. ۳- بزهکاری زنان بیشتر معاونت در جرم است تا مباشرت ۴- در برخورد با بزهکاری زنان دستگاه قضایی ملایم تر است.

نکته ۲: به میزان موازات شرکت زنان در جامعه نرخ بزهکاری آنان رو به افزایش است و بیشتر جرائم فاضی را انجام می دهند **مانند:** سقط جنین، نوزاد کشی، مسموم کردن.

۵- بزهکاری بر اساس سن:

۱- بزهکاری اطفال: که اطفال بیشتر مرتکب آن می شوند و جرائم سبک است. معمولاً در جرائم علیه اموال و جرائم علیه اخاص بیشتر پرخاشگری است و بیشتر به صورت گروهی صورت می گیرد.

۲- بزهکاری بزرگسال: بیشتر به صورت فردی است و جرائمشان بیشتر سنگین است.

نکته: بزهکاری اطفال امروزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چون جرمشناسان معتقدند با کنترل بزهکاری یا پیشگیری از بزهکاری اطفال می توان از بزهکاری آنان در آینده جلوگیری کرد.

❖ مفهوم بزه‌دیده:

در لغت: در لاتین به معنای موجود زنده ای که برای خدایان قربانی می شود **Victim** در لغت فرانسه به معنای کسی که فدای علایق و یا برنامه های دیگران می شود.

بزه‌دیده در اصطلاح حقوق: بزه‌دیده یعنی کسی که از جرم یا عمل خسارت بار غیر مجرمانه متضرر می گردد.

در بزه‌دیده شناسی: منظور قربانی مستقیم جرم است.

نکته: وردهایم روانشناس آمریکایی در کتاب **نمایش خشونت اولین بار اصطلاح بزه‌دیده شناسی را به کار برد.**

☑ **بزه‌دیده توسط خود انسان:** مثل خودکشی، خودزنی، الکلیسم و..

☑ **بزه‌دیده توسط دیگران:** ۳ حالت دارد: ۱- ساختار ۲- جرم ۳- اعمال غیر مجرمانه

توسط سافتار: یعنی قربانی شدن بخاطر، ماهیت و ساختار سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه یا حکومت یا سیستم

عدالت کیفری و... مانند قربانی شدن فرد در نتیجه نابرابری های ثروت و قدرت در جامعه.

توسط جرم: معیار ناشی از جرم همان قانون جزاست یعنی کسی که مورد بزه‌دیده جرائم قانون جزا می شود. **مثل:** مجنی علیه در

جرایم علیه اشخاص.

توسط اعمال غیر مجرمانه: به وسیله اعمال خسارت بار یا شبه جرم یا سایر افعال یا ترک افعال غیر مجرمانه که بیشتر در قلمرو

حقوق مدنی، حقوق اداری یا حقوق کار و... قرار می گیرد.

☑ **تفاوت بزه‌دیده در حقوق جزا و جرم شناسی:**

بزه‌دیده در حقوق جزا یک برخورد انتزاعی و نظری به جرم وجود دارد اما بزه‌دیده در جرم شناسی یک برخورد عملی و مبتنی

بر مشاهده واقعیات به جرم است.

☑ بزهدیده شناسی در مکتب کلاسیک:

جرم مرکز سِقل (مرکزیت) حقوق جزا است یعنی حقوق جزا، تعریف، معیار دقیق و عینی از جرم و مجرم و بزهدیده ارائه می دهد.

☑ بزهدیده شناسی در مکتب تحقیقی:

بزهدیده شناسی حول محور بزهدکار و شخصیت وی و چگونگی استقرار اعضاء بدن می باشد.

***نکته:** اولین بار فون هانتیک در فصل چهارم کتاب بزهدکار و قربانی او به بررسی روابط میان بزهدکار و بزهدیده و جوانب

مختلف آن پرداخت در سال ۱۹۴۸ وی معتقد بود **در شناخت همه جانبه جرم باید کلیه عوامل مؤثر در ایجاد پدیده مجرمانه مورد**

بررسی قرار گیرد. بزهدیده یک عامل خارجی در ایجاد وضعیت مجرمانه است.

محیط: یعنی نقش جامعه در وقوع جرم.

نکته: واکنش اجتماعی، سیاست بنایی هر کشوری پس از تعیین مدود و ثغور بزهدکاری (راهکارهایی را برای مقابله با جرم یا همان

بزه ارائه می دهد. این (راهکارها) به دو صورت می باشد. **۱-** برای قبل از وقوع جرم که دارای جنبه پیشگیرانه است و به مفهوم

واکنش اجتماعی یا مجازات در جرم شناسی است. در این صورت جامعه به دو صورت واکنش نشان می دهند:

۱- به صورت رسمی که توسط دولت اعمال می شود در غالب قضایی، مدنی یا اداری می باشد.

۲- به صورت رسمی که توسط دولت اعمال می شود به وسیله ایجاد نهادهای ارزشی مانند امر به معروف و نهی از منکر که گاهی می

تواند به صورت انتقادی هم باشد یعنی عملکرد دولت را در واکنش به پدیده مجرمانه به انتقاد می گیریم.

۲- بعد از وقوع جرم هست دارای جنبه سرکوب گرایانه است و مفهوم واکنش اجتماعی یا مجازات در حقوق جزاست.

قبل از وقوع جرم -> جنبه پیشگیرانه - واکنش اجتماعی و مجازات -> جرم شناسی

رسمی - توسط دولت

قضایی

مدنی

اداری

بعد از وقوع جرم -> جنبه سرکوبگرانه

غیر رسمی - توسط مردم - امر به معروف و نهی از منکر

پدیده مجرمانه (بزه جرم) ← راهکار

تعریف باستان: در دوره باستان مسائل جرم و جرم‌شناسی از دیدگاه فلسفی، اخلاقی و مذهبی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و از

یونان باستان شروع شد تا حدود ۲۵۰ تا ۲۶۰ سال قبل دو مکتب مهم در این دوران وجود دارد:

۱- مکتب کلاسیک یا عدالت مطلق ۲- مکتب نئوکلاسیک یا التقاطی و قبل از این‌ها اصل سود مندی بود این مکاتب عمدتاً مرکز سقل آنها جرم است.

تعریف دوره معاصر: علمی یا تجربی هم می‌نامند که بنا به قولی ۱۵۰ سال قبل و بنا به قول دیگر ۲۵۰ سال قبل به وجود آمده

است. برخی می‌گویند سزار بکاریا در سال ۱۷۶۶ برخی می‌گویند لمبروزو در سال ۱۸۶۸ و برخی دیگر می‌گویند گارفالو

۱۸۶۸-۱۸۷۰ اولین کسانی بودند که واژه جرم‌شناسی را مورد استفاده قرار دادند. آنچه که قابل اثبات است از قرن ۱۹ جرم

شناسی شروع شده و ۳ مرحله را پشت سر گذاشته است:

مرحله اول: مرحله زیست‌شناسی - توسط لمبروزو

مرحله دوم: مرحله جامعه‌شناسی

مرحله سوم: مرحله روانشناسی

در تمام این دوره‌ها تنها مجرم مورد مطالعه و توجه بود اما از سال ۱۹۴۷ علاوه بر مجرم به بزهدیده هم توجه شد و از سال ۱۹۶۰

علاوه بر مجرم و بزهدیده به محیط اجتماعی توجه شد و از سال ۱۹۷۰ علاوه بر مجرم، بزهدیده و محیط اجتماعی به نقش

حکومت نیز توجه شد و از سال ۱۹۹۰ به تمام مولفه‌ها در بررسی علل پدیده مجرمانه توجه گردید که به این دوره، دوره عدالت

ترمیمی می‌گویند.

☑ **رابطه جرم‌شناسی با سایر رشته‌های علوم جنایی:**

الف- (رابطه جرم‌شناسی با علوم جرم‌یابی یا پلیس علمی:

علوم جرم‌یابی یا پلیس علمی عبارت است از مطالعه شیوه‌های تحقیق، کشف و دستگیری مجرمین. بنابراین، جرم‌یابی یا پلیس

علمی در مرحله تحقیقات و دادسرا کاربرد دارد. یکی از رشته‌های پلیس علمی یا جرم‌یابی انگشت‌نگاری است که یکی از

شیوه‌های کشف و دستگیری مجرم می‌باشد. اسلحه‌شناسی نیز یکی از رشته‌های جرم‌یابی است که برای تعیین آلت قتاله بکار

می رود. بنابراین، جرم یابی معین آئین دادرسی کیفری در جمع آوری ادله دعوا و جرم است، ولی جرم شناسی به مطالعه علل بزهکاری می پردازد. پس جرم شناسی زمانی وارد عمل می شود که جرمی اتفاق افتاده باشد و به کمک پلیس علمی جرم و مجرم کشف شده باشد.

در مکتب اطریشی، جرم یابی یا پلیس علمی یکی از رشته های جرم شناسی است. از آنجا که جرم شناسی به مطالعه علمی پدیده مجرمانه یا بزهکاری می پردازد، در حال حاضر پلیس علمی رشته خاصی از جرم شناسی است. بنابراین، جرم یابی همواره مقدم بر جرم شناسی است.

ب- رابطه جرم شناسی با علم اداره زندان ها:

علم اداره زندان ها ابتدا و به طور سنتی به مطالعه مجازات ها یا کیفرهای پیش بینی شده و تحمیلی به بزهکاران می پرداخت، اعم از اینکه مجازات جنبه سلب آزادی، سلب و یا محدود کننده حقوق، یا جنبه مدنی یا اعدام داشته باشد.

با صرف نظر از نوع مجازات، علم اداره زندان ها به مطالعه تشکیلات مجازات و کیفرها و شیوه اجرای آنها می پرداخت. در علم اداره زندان ها اولین چیزی که به ذهن تداعی می شود زندان است، ولی در کنار حبس، مجازات دیگری نیز وجود دارد. به همین دلیل رشته (کیفرشناسی) به وجود آمد. کیفر شناسی عبارت است از: مطالعه مجازات سالب حقوق، آزادی، اعدام و اقدامات تربیتی. به این ترتیب، علم اداره زندان ها در دل کیفرشناسی قرار می گیرد. امروزه علم اداره زندان ها به مطالعه تشکیلات و سازمان های داخلی مجازات و طرز کار آنها می پردازد. در این چارچوب، تشکیلات زندان و انواع ادارات آن و شیوه اجرای حبس موضوع علم کیفر شناسی قرار می گیرد. هم چنین تبعات مجازات نیز جزء کیفر شناسی می باشد. مثل آزادی مشروط، عفو، تعلیق اجرای مجازات ها و کلیه مکانیسم هائی که به گونه ای در این رابطه مطرح می شود. یکی از اهداف کیفر، اصلاح مجرم و تحویل یک انسان اصلاح شده به جامعه می باشد. بنابراین، با توجه به این هدف، کیفر دارای رسالت می باشد و برای اینکه بتواند این نقش را ایفا کند باید بیشتر از بزه و بزهکاری آگاهی داشته باشد و جرم شناسی این اطلاعات را در اختیار علم اداره زندان ها قرار می دهد. بنابراین، علم اداره زندان ها ناچار است که به جرم شناسی نزدیک شود. از طرف دیگر، جرم شناسی نیز برای بررسی کارایی و عدم کارایی تعلیمات و نتایج خودش، این نتایج را در زندان و از طری محکومین به حبس به دست می آورد و

بدین ترتیب در زندان است که جرم شناسی بالینی به عمل می رسد. جرم شناسی بالینی در مقابل جرم شناسی عمومی که جنبه نظری دارد، جنبه کاربردی دارد.

پس کیفرشناسی به طور کلی و علم اداره زندان ها بطور خاص با جرم شناسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارند. نتیجه اینکه مطالعات جرم شناسی از طریق محکومین و از طریق بیلائی که ارائه می شود، می تواند به کیفرشناسی نشان دهد که فلان شکل از واکنش های اجتماعی، قبل از اینکه جنبه اصلاحی داشته باشد، جنبه جرم زا دارد. اینجاست که جرم شناسی می تواند به قانونگذار توصیه کند این نوع مجازات ها را از فهرست حقوق کیفری حذف کند. مثل: حبس های کوتاه مدت بین ۳ تا ۶ ماه برای مجرمین به طور کلی و برای مجرمین بی سابقه بطور خاص قبل از اینکه اصلاح گر باشد، موجب تکرار جرم می شود. نتیجه اینکه جرم شناس به مقنن پیشنهاد می کند به جای حبس های کوتاه مدت جانشین های دیگری پیدا کند و به این ترتیب با تکرار جرم مبارزه کند و شاید به دنبال چنین توصیه ای است که مقنن ما در تبصره ۱۷ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی مصوب سال ۶۸ در خصوص مجازات های حبس تا ۹۱ روز پیش بینی کرده است که قاضی می تواند آن را به کیفری نقدی تبدیل کند. این تبصره می تواند دارای چندین معنی باشد:

۱- مبارزه با تراکم جمعیت کیفری در زندان های ایران. چون ظرفیت این زندان ها محدود است.

۲- توسعه جرم شناسی برای مبارزه با تکرار جرم به جای حبس.

۳- تکمیل بودجه ی دادگستری از طریق دریافت جریمه های نقدی.

۵- رابطه جرم شناسی با حقوق کیفری:

اگر چه جرم شناسی و حقوق کیفری هر دو به بررسی بزهکاری و تبعات آن می پردازند و در این خصوص تنظیم شده اند، ولی حقوق کیفری هدفی جز جرم شناسی دارد. حقوق کیفری به مطالعه علل وقوع جرم نمی پردازد، بلکه صرفاً به تعریف آن و احصاء انواع جرائم می پردازد، ولی جرم شناسی آنچه به عنوان جرم و مجرم وجود دارد را به طور ملموس مورد بررسی قرار می دهد، حال آنکه حقوق کیفری انتزاعی ولی جرم شناسی کاربردی است. هدف نهایی حقوق کیفری نبودن جرم در جامعه است، ولی جرم شناسی جامعه را آنگونه که هست مطالعه می کند و به مطالعه علت شناسی و انگیزه شناسی جرم می پردازد.

د- رابطه جرم شناسی با سیاست جنائی:

در کشور ما، سیاست جنائی به غلط در معنای سیاست کیفری بکار رفته است. سیاست کیفری همان حقوق کیفری می باشد. ولی سیاست جنائی اعم است از توسل به نظام کیفری و یا توسل به ابزارها و ارگان هائی که رنگ کیفری ندارند و دارای جنبه اداری می باشند.

پس سیاست جنائی یک مفهوم گسترده و وسیع می باشد. به عبارت دیگر، سیاست جنائی یعنی سازمان بخشیدن منظم به مبارزه با بزهکاری. سیاست جنائی بعد از سیاست کیفری بوجود آمد، یعنی قانونگذار برای مبارزه با جرائم همواره به حقوق کیفری و اصل انتقام متوسل می شده است. سیاست کیفری با توسل به حقوق کیفری مبارزه با جرم را دنبال می کند و طبیعتاً جنبه سرکوبگر و تنبیهی دارد و دقیقاً پس از مطالعات و نتایج جرم شناسی، سیاست کیفری به سیاست جنائی تبدیل شد.

جرم شناسی به علمای حقوق کیفری نشان داد که سرکوبگری صرف موجب تعادل جامعه نمی شود، بلکه طریق پیشگیری غیر کیفری می تواند نظم اجتماعی را برقرار نماید. جرم شناسی در وهله اول نشان داد که ماهیت افراد بزهکار یکسان نیست و به لحاظ تنوع آنها، بزهکاران در مقابل یک کیفر واکنش یکسانی بر روی آنها داشته باشد. ثالثاً صرف سرکوبی، تدبیری قهر آمیز است و در پیشگیری خاص و عام نقش مثبتی ایفا نمی کند. در اینجا جرم شناسی به علم حقوق کیفری پیشنهاد می کند که علاوه بر مجازات، تدابیر دیگری را نیز پیش بینی کنند که به قاضی امکان دهد بهترین پاسخ را از قانون استنباط و به عنوان ضمانت اجرا به بزهکاران اعمال کند. به این ترتیب جرم شناسی باعث شده سیاست جنائی از ابزارهای متنوع غیر کیفری برخوردار شود. رابعاً در مرحله قبل از ارتکاب جرم، جرم شناسی معتقد است که برای صرفه جویی در هزینه بزهکاری و نیز تقلیل خسارتی که به دادگستری وارد می شود، حقوق کیفری به جای تکیه بر مجازات و سرکوبی به تهیه و پیش بینی اقدامات پیشگیرانه پردازد. در این صورت بهائی که جامعه و دولت باید برای بزهکاری پردازد، از طریق این اقدامات کاهش می یابد. جامعه این هزینه را از طریق پرداخت مالیات می پردازد که هزینه ای که دولت برای تأمین پرسنل مورد نیاز زندان ها و تأسیس آنها متحمل می شود را نیز در بر می گیرد.

برای اینکه هزینه جرم به حداقل برسد و افراد جامعه مالیات کیفری کمتری پردازند، سیاست جنائی پیشنهاد می کند از ابزارهایی استفاده شود که علی الاصول از وقوع جرم جلوگیری می کنند. مثل: ایجاد پارک و سالن های ورزشی. این سیاست در چهارچوب قانون و سیاست قضائی و کیفری قرار نمی گیرد، بلکه در سیاست اجتماعی یک جامعه قرار می گیرد.

علل: بعد از پایان دوره جرم شناسی در دوره جرم شناسی باستان در دوره جرم شناسی معاصر این سوال مطرح شد که چرا در جامعه ای که همه شرایط آن برای افراد یکسان است برخی مرتکب جرم می شوند اما برخی دیگر مرتکب نمی شوند. برای پاسخ به این سوال دانشمندان نظریات مختلفی را بیان کردند که این نظریات در ۲ قالب قابل بررسی است.

❖ نظریه ساختاری - کین برگ:

این نظریه یک نظریه زیستی - روانی است وی معتقد بود. رفتار واکنشی در برابر محرک های محیط است و شخصیت هر فرد ۳ مولفه دارد: ۱- هسته سرشتی یا آمیزه ۲- متغیر های آسیب شناختی ۳- وظیفه اخلاقی

۱- هسته سرشتی: یعنی مجموعه گرایش های واکنشی یا طرز رفتار در برابر محرک های بیرونی که در هر فردی متغیر است. ۴ عامل سرشت روانی وجود دارد:

A. لیاقت: لیاقت باعث هوش است.

B. صحت: یعنی کار صحیح رو از ناصحیح تشخیص می دهد. این نشان دهنده نیروی مغزی است.

C. استواری: که تعدل بین هیجانات است.

D. استحکام: کسی که مستحکم است می تواند وحدت بین کنش هایش در فعالیت هایش ایجاد کند و هر کدام از اینها را بر حسب کمیت، مقدار به سه دسته تقسیم کند. ۱- فوق العاده ۲- متوسط ۳- ضعیف

۲- متغیرهای آسیب شناختی: متغیر های آسیب شناختی بر خلاف متغیر های هسته ای یا همان اصلی اثرعارضه ای اند یعنی جزء ذات نیست. که می تواند بیماریهای روانی اختلال های شدید هوش ، عدم تعادل های عمیق منش که این موضوعات منشاء یک نقیصه در وظیفه اخلاقی است. در حقیقت وظیفه اخلاقی را عامل مقاومت در برابر بزهکاری می داند.

۳- وظیفه اخلاقی: وظیفه اخلاقی درجه بیداری اخلاقی است که فقدان عناصر آن موجب بزهکاری می شود.

مقدمه: یعنی توضیح رفتارهای بزهکاران بر اثر و مبنای انگیزش های فردی است. یعنی اینکه این دسته از دانشمندان نظریه های خود را بر پایه انگیزش افراد ارائه کرده اند که مهمترین آنها نظریه میرای لوبز بر مبنای انگیزش جرایم است وی معتقد است فرد از زمان تولد دارای گرایش های مجرمانه است و عدم ارتکاب جرم تحت تأثیر عمل قهری تربیت است. مبنای تربیت یادگیری است پس اگر در برخی افراد این یادگیری نارسا باشد نیروی گرایش و انگیزش وی را از حدود معیارهای اجتماعی متجاوز می کند. در نتیجه فرد بزهکار می شود. از نظر وی انگیزش ها دو دسته اند:

۱- انگیزش های درون زا مانند صیانت از حیات فردی که بر اثر دو نوع گرایش است؟: ۱- گرایش تخریبی و دفاعی
۲- گرایش اکتسابی و مالکیتی

۲- صیانت از نوع که در انسان به علت وجود گرایش جنسی به دنبال حفظ از نوع خود است که اگر از حدود تربیت خارج شود فرد مرتکب جرائم جنسی شده است.

نظریه دوگرف: وی نظریه شیوه ای ابتدایی واکنش درونی را ارائه می دهد وی معتقد است انسان به علت عدم تحمل احساس بی عدالتی نسبت به بی حرمتی ها افترا، واکنش نشان می دهد و اگر فرد از حدود عفو و گذشت خارج شود یعنی آن را تعلق کند مرتکب پرخاشجویی می شود افراد در این خصوص دو دسته اند:

۱- کسانی که دائم تحت تأثیر احساس بی عدالتی هستند. اینان تکرار کنندگان جرم اند و وضعیتی ناپایدار و نا به سامان دارند.

۲- کسانی که به صورت اتفاقی تحت تأثیر حس بی عدالتی هستند که در درجه بالا به علت عدم تحمل آن مرتکب جرم می شوند.

وی معتقد است تحریف در نحوه وابستگی به محیط بر حسب اطلاعات خاص فرد انجام می گیرد که در این صورت روابط عاطفی با محیط را کاهش می دهد و در نتیجه موجب بروز واکنش های جنایی می شود **مانند:** جنایات عشقی، مانند خود کشی.

نکته: دوگرف به واکنش فرد توجه می کند و میرای لوبز به انگیزش ها توجه می کند.

☑ عوامل فردی (درونی):

مقدمه: برخی برای بررسی شخصیت بزهکار به نحوه شکل گیری آن توجه نمودند آنان معتقدند شخصیت در نتیجه زمینه هایی که بر اثر عوامل گوناگون شکل گرفته است و متضمن خصایص، ارثی و مادر زادی است به وجود آمده است. برای این منظور تأثیر استعداد را در شکل گیری شخصیت بررسی کرده اند آنها معتقدند استبدادها که زمینه ها را به وجود می آورد و زمینه ها که شخصیت را شکل می دهند به دو عامل بستگی دارند:

۱- استعداد های ارثی ۲- استعداد های شخصی

استعداد های ارثی: استعداد های ارثی شخصیت منظور صفاتی است که بر اثر وراثت منتقل می شود و این انتقال به وسیله حامل های ژن که به آن کروموزوم گفته می شود صورت می گیرد. افرادی در این خصوص نظریه های را مطرح کرده اند:

۱- لمبروزو: وی نظریه سیر قح قرایی (بازگشت) نیاگرایی (اجداد) را مطرح می کند با این فرضیه که آیا انتقال صفات به وسیله وراثت صورت می گیرد یا خیر برای پاسخ به این سوال روش های زیر را به کار برده اند:

۱- روش شجره نامه: یعنی محاسبه تعداد موارد بزهکاری در اجداد فرد

۲- روش آماری: یعنی اجداد گروه بزهکاران را مورد بررسی قرار داده اند چند بار مرتکب جنایت شده اند.

۳- روش دوقلوها: در این روش دوقلوها به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- دوقلوهای یک تخمکی (حقیقی) ۲- دوقلوهای دو تخمکی (کاذب) در بررسی ها نشان داده شد که دوقلوهای تک تخمکی دو، سوم (۲/۳) رفتارهایشان باهم تطابق دارد. اما دوقلوهای دو تخمکی ۱/۳ رفتارشان تطابق دارد در نتیجه آنان معتقد شدند که وراثت می تواند عامل ارتکاب جرم باشد.

برخی طبیعت انتقال ارثی را مورد بررسی قرار دادند که آیا طبیعت ارث وجود دارد یا خیر. لمبروزو معتقد به وجود استعدادها در فقدان حس اخلاقی بیان کرده است.

۲- گراتز: معتقد است اعمال جنایی اجداد انتقال نمی یابد بلکه فقط گرایش های تحریک پذیری و پر خاشجویی که پایه جرائم می تواند باشد امکان انتقال دارد.

استعداد های شغلی: دانشمندان استعداد های شخصی را به ۳ دسته تقسیم می کنند:

۱- سوابق شخصی: منظور سوابق پیش از ولادت مانند عوارض بارداری رحم که موجب انحرافات، کروموزومی می شود.

۲- استعداد های شخصی مادرزادی: منظور استعداد هایی است که همزمان با ولادت در فرد ممکن است ایجاد شود مانند ضربه ها و فشار هایی که ممکن است به وسیله ماما در هنگام تولد به جمجمه نوزاد ایجاد شود و باعث عقب ماندگی های ذهنی شود.

۳- استعداد های اکتسابی: منظور استعداد هایی است که پس از ولادت ایجاد می شود مانند بیماری عفونی ، عادت الکلیسم، وجود لحظات خطرناک، مانند (دوران بلوغ) که می تواند زمینه های وقوع جرائم شود.

✓ عوامل محیطی:

تعریف به صورت مختصر: یعنی دنیای پیرامون یا اطراف انسان.

نکته مهم: آیا محیط نقش ایستا است یا (پویا) در شکل گیری شخصیت بزهکار دارد؟

جواب: محیط یک عنصر استا ، ثابت و بدون تحرک نیست بلکه محیط یک پدیده و عنصر متحرک است که در طول زمان تغییر می کند هر چند محیط یکسری عوامل عینی است، یعنی با چشم دیده می شود اما در شکل گیری شخصیت بزهکار معنی ذهنی می دهد.

محیط دنیای پیرامون انسان به دو دسته تقسیم می شود:

۱- **دنیای طبیعی و جغرافیایی اطراف انسان:** مثل: کوه ها، دشت ها، کویرها، و... در بحث محیط طبیعی می شود که در این محیط چه جرایمی شکل می گیرد. هر موقع محیط را در جرم شناسی از نگاه طبیعت و جغرافیا بررسی کنیم در اینجا محیط موضوع جرم شناسی کلان است.

۲- **محیط اجتماعی:** منظور دنیای اجتماعی انسان پیرامون انسان است. یعنی روابط انسان در اجتماع ، محیط اجتماعی خود به دو دسته تقسیم می شود: ۱- محیط اجتماعی عمومی ۲ محیط اجتماعی شخصی

محیط اجتماعی عمومی: منظور دنیای اطراف انسان در محدوده اجتماع که بر عموم افراد آن جامعه تأثیر می گذارد.

محیط اجتماعی شخصی: یعنی محیطی که بر فرد تأثیر مستقیم و قاطع دارد در اینجا مفهوم محیط اجتماعی شخصی، مفهوم محیط است جرم شناسی فرد.

❖ انواع محیط اجتماعی شخصی:

محیط اجتناب ناپذیر: منظور محیطی است که فرد نمی تواند در آن زندگی نکند.

انواع محیط اجتماعی شخصی اجتناب ناپذیر: ۱- خانواده اصلی ۲- مسکن و همسایگی

- محیط اجتماعی شخصی اجتناب ناپذیر (خانواده اصلی): دو نوع تأثیر دارد، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم.

۱- مهم ترین تأثیر مستقیم خانواده: تحریک تقلید در کودک.

۲- تأثیر غیر مستقیم خانواده: رها کردن کودک و عدم مراقبت های مستمر، مثل: جدایی مادر از پدر، (طلاق). مثل غیبت

پدر (مأموریت اداری) - مثل: جنگ ها . مثل: نفاق - دورویی بین پدر و مادر.

❖ محیط اجتماعی اجتناب ناپذیر مسکن:

در اینجا دو حالت است:

۱- تأثیر محیط داخلی ساختمان است (مثل اینکه اتاق خواب، دستشویی، آشپزخانه) این ها ذهنیت می دهد به طرف

۲- تأثیر محل ساختمان (مثل: مجتمع ها، همسایه ها، چه کسانی هستند) مثال: بزرگترین ایراد تشکیل باندهای گروهی است. مثلاً:

پنجر کردن ماشین، زدن زنگ همسایه. پس در مسکن طرز ساختمان مسکن می تواند جرم زا باشد نه شهر سازی. مثل: مجتمع

های مسکونی.

❖ محیط های اجتماعی شخصی - اتفافی:

یعنی فرد بدون اینکه از قبل بداند در آن محیط قرار می گیرد. مثل: محیط تحصیلی، سرباز خانه ها و...

❖ محیط های اجتماعی شخصی - انتفابی:

یعنی محیطی که خود انسان قبول می کند، در سه حوزه تقسیم بندی می شود:

۱- خانواده شخصی: یعنی همسری که خودتان انتخاب می کنید. در مورد اینکه خانواده شخصی بود یا نبود شما چه تأثیری در بزهکاری دارد خیلی بحث شده است. بزهکاری های سنگین بیشتر مجرد هستند افراد متأهل کمتر دچار جرم می شوند چون دارای احساس مسئولیت هستند. خانواده شخص کافی نیست، دو تأثیر می تواند داشته باشد: ۱- مستقیم ۲- غیر مستقیم. مستقیم اینکه: در خانواده وقتی کافی نباشد، ضرب و شتم انجام می دهد...

غیر مستقیم: مثل خیانت، کلاهبرداری و...

۲- حرفه ای (شغل): باز می تواند تأثیر مستقیم داشته باشد یا تأثیر غیر مستقیم داشته باشد. اگر از کار راضی باشیم خوب انجام می دهیم. اگر راضی نباشیم ممکن است که خوب انجام ندهیم و سهل انگاری در انجام وظایف داشته باشیم. پس محیط حرفه ای هم می تواند زمینه سازی جرم را داشته باشد.

۳- اوقات فراغت: مثلاً اگر فرد زمان مناسبی را برای اوقات فراغت استفاده نکند ممکن است دچار جرم شود. مثلاً مثل رفتن به قهوه خانه یا قمارخانه.

❖ محیط های تممیلی:

مثل زندان، مثل رفتن به سیستم های دادرسی در محیط تممیلی مهمترین اتفاقی که رخ می دهد تئوری داغ است. باطله زدن، برچسب زدن، یا انگ زدن و...

تئوری داغ: می گوید وقتی فرد وارد دادسرا یا... می شود. پیش خود می گوید که من حالا دیگر بهم برچسب خورده، پس حالا که سابقه دار شده ام، برایم فرقی نمی کند دیگر آب از سر من گذشته پس اقدام به جرم دیگری می کند. یا وقتی به فردی انگ می زند: مثلاً می گویند دزد، خوب می گوید پس حالا که به من انگ می زند بهتر است که من دزدی را یاد بگیرم.

☑ وضعیت پیش جنایی:

تعریف: عمل جنایی در جرم شناسی نوعی پاسخ به وضعی معین است، وضعیت پیش جنایی، مجموعه ای از اوضاع و احوالی است که خارج از شخصیت بزهکار است و به یک مرحله قبل تر از شکل گیری شخصیت بزهکار ارتباط دارد. یعنی در حقیقت ما می خواهیم به وضعیتی برگردیم که قبل از جنایت بزهکار در آن بوده است. این وضعیت را از دو جنبه بررسی می کنیم.

☑ **جنبه های عینی:**

وضعیت پیش جنایی از لحاظ جنبه های عینی دارای عناصری تشکیل دهنده است:

➤ **۱- واقعه اصلی:** منظور از واقعه اصلی، منظور یک رشته وقایعی که نقشه جنایی را در ذهن بزهکار آینده پدید می آورد. **مثل:**

فقر، که موجب می شود در آینده طرف مرتکب بزه سرقت شود و یا مثل بی وفایی همسر که شاید در آینده، موجب قتل عشقی شود. این واقعه سه خصیصه دارد:

۱- واقعه ممکن است مجزا یا متوالی باشد: واقعه مجزا: یعنی بزه جدا از واقعه اصلی اتفاق می افتد. **مثلاً:** در زنا، محصنه، همسر

در یک لحظه مرتکب قتل می شود. **واقعه متوالی:** یعنی اینکه در طی یک سلسله وقایعی بزه به وجود می آید یا محقق می شود.

مثلاً: همسر در پی زندگی در مدت طولانی و برخوردهای نامناسب شوهر، مرتکب قتل می شود.

۲- واقعه اصلی ممکن است مدت طولانی در شکل گیری نقشه آن گذشته باشد.

۳- واقعه ای که موجب انگیزش می شود. مثل: حسادت در انگیزهای عشقی.

➤ **۲- اوضاع و احوال به مورد اجرا گذاشتن نقشه جنایی:** مانند چاقو روی میز، داشتن سلاح، تنها بودن قربانی، تأثیر این اوضاع و

احوال باید در فعلیت یافتن عمل مجرمانه قاطع باشد.

**** آقای کین برگ، وضعیت های پیش جنایی عینی را به سه طبقه تقسیم بندی کرده:**

۱- وضعیت های مخصوص ۲- وضعیت های غیر مخصوص ۳- وضعیت های مختلط

وضعیت های مخصوص یا حالت فطرتناک: وضعیتی است که همیشه موقعیت جرم وجود دارد. فقط مرتکب به سمت آن سوق

داده می شود. مثل: زنا با محارم نسبی، **مثلاً:** فرض کنید در یک خانواده رابطه بین خواهر، برادر و مادر به گونه ای است که خدای

نکرده کافست یک لحظه باهم تنها باشند.

یا **مثل:** اختلاس، زمینه در فرد است فقط کافی است یکی او را هل دهد.

وضعیت های غیر مفصوم یا بی شکل: در این وضعیت موقعیت ارتکاب جرم وجود ندارد بلکه بزهدکار در جستجوی آن است و مستلزم تهیه نقشه است. **مانند:** سرقت های مسلحانه، ساختن سکه قلب، کلاهبرداری، مانند جیب بری این ها، حالت هایی است که موقعیت نیست فرد از قبل می رود و جستجو می کند و بزه را انجام می دهد. یعنی موقعیتی وجود ندارد.

وضعیت های مختلط: در وضعیت های مختلط موقعیت به فرد بزهدکار داده می شود و فرد در جستجوی آن نیست. مثل: بزهدکاری های سازمان یافته.

☑ جنبه های ذهنی:

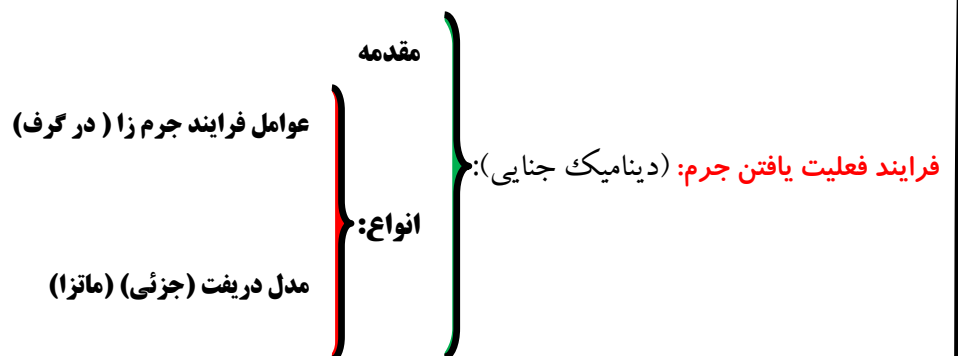
مفهوم ذهنی وضعیت پیش جنایی: منظور بعضی از وضعیت ها است که حقیقی اند و برای درک و کشف جنایت مفید می باشند.

منظور از وضعیت پیش جنایی، یعنی عبارت برداشت ها و تجارب پیشین که متبادر به ذهن شخص می شود و مجموعه ای از تجسم بصیرت ذهنی و عاطفی را ایجاد می کند.

عوامل جنبه های ذهنی: میرایای لوپز، نحوه زندگی افراد با وضعیت ها را به سه دسته تقسیم می کند:

- ۱- تجارب قبلی وضعیت های مشابه ۲- خُلق آنی در حد وسیعی **مدیون تجربه آنی است:** منظور تغییر رفتار عاطفی است. مانند: خوش بینی، بد بینی ۳- شناخت حقیقی یا وضعی، منظور طرز تلقی و برخورد افراد اجتماع با وضعیت است که دو گر به آن تغییرات خیالی محیط می گوید. **مثلاً:** احساس می کند درست است. **مثلاً:** می گوید فلان شخص چقدر آدم زرنگی است. یک ماه است رفته سرکار خانه خریده، در نتیجه با توجه به خیال پردازی که از اجتماع دارد باعث جرم می شود.

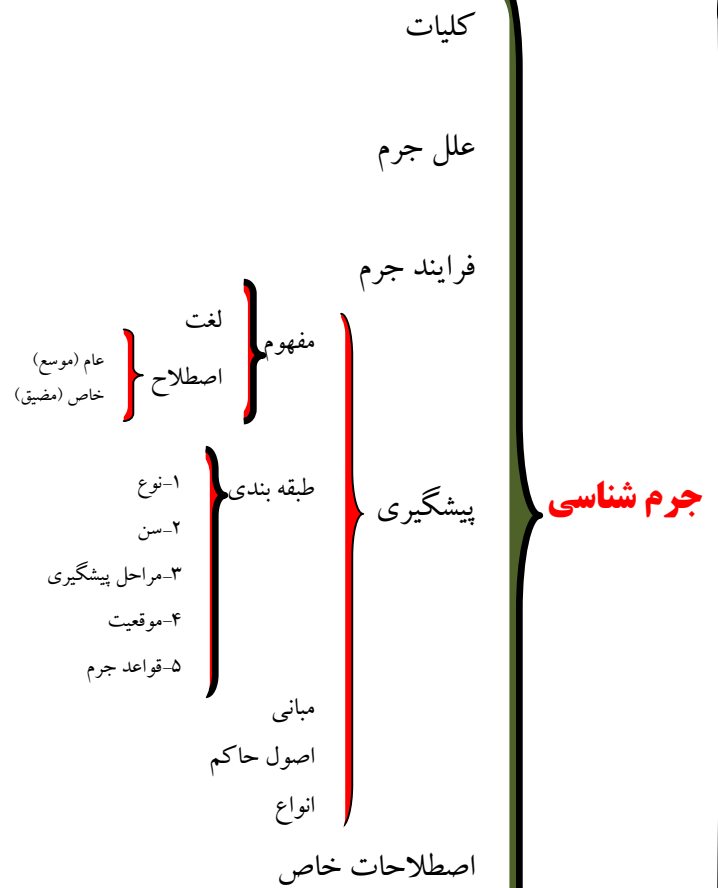
☑ فرایند فعلیت یافتن جرم:



جرم شناسی پیش تر معطوف به توصیف شخصیت بزهکار و شکل گیری آن بوده است و عمل جنایی را به مثابه ی نوعی واکنش شیمیایی تلقی کرده است که با ظهور ناگهانی خود تماس شخصیت و وضعیت برقرار می شد. کیم برگ اهمیت فوق العاده ای به وضعیت پیش جنایی داده بوده است و فعلیت یافتن جرم را به مثابه ی نتیجه ی یک رابطه ی نا مساعد بین قوای سائن (P) و قوای مقاومت (R) تعریف کرده است. عمل جنایی را نتیجه ی عوامل گوناگون مکانیکی نمی داند اما عاقبت به صورت فرایند تعاملی که در زمان و در خلال یک رشته از مراحل رشد یافته است می داند وی معتقد است مادام که عمل جنایی انجام نگرفته باشد همیشه انتخاب جدید در میان است این انتخاب به شخصیت فرد وضعیتی که خود را در آن می یابد و به لحظه ی دقیقی که خود انتخاب می کند وابسته خواهد بود دوگرف نخستین جرم شناسی است که بر چندین جنبه ی این فرایند تعامل تأکید ورزیده است.

آقای دوگرف: معتقد است حالت جرم زا حالتی است که در ضمن توسعه ی خود بیش از پیش به فاعل جرم نزدیک می شود اما هرگز نمی تواند حالت جنایی داشته باشد این حالات با تشکیل جو القای قضاوت ها، بر انگیختن توجیحات که می تواند کسانی که خود را در کنار عدم جبران یا شکست مکانیسم های دفاعی روانی می یابند اثر بگذارد فرد (بزهکار) برای اینکه بتواند مرتکب جرم شود باید فروغ پرتوهای محبت آمیز نسبت به درخواست تصریح آمیز قربانی را در خود خاموش سازد یعنی کوچک شدن قربانی در نظر بزهکار تا آن حد که بود و نبود یا آسیب به تمامیت بدنی یا به اموال او به مثابه ی عادلانه بوده و استحقاقش را داشته است. مثلاً در قتل عشقی فرد قربانی که قبلاً مورد عشق و محبت بوده است را به استناد به تمام عیوب خلقت از پا دریاورد یا مثلاً: در سرقت مالک را به غاصبیت تنزل می دهد و تصور می کند اعمال مالکیتش تنها با سرقت میسر است.

۲- دیود ماترا جامعه شناس آمریکایی که مخالف بزهکاری چیزی است وی معتقد است عمل جنایی ثمره ی انتخاب آزاد کم و بیش شدید بزهکار است. و مجرم در پایان فرآیند تعامل طولانی دریفت یعنی تسلیم هوای دل شدن و تردید واحمال پدید می آید. وی مخالف مالکیت تعقیقی نوین است، چون این مکتب را تهیه ی دلایل برای نسل جوان به منظور اجتناب از امر قانون و تسلیم هوای نفس شدن می داند.



✓ **پیشگیری در لغت:** یعنی پیش دستی کردن، یعنی هشدار دادن نسبت به چیزی، جلوگیری از وقوع اتفاقی یا عملی را گرفتن.

✓ **پیشگیری در اصطلاح:** مفهوم عام یا باز دارد یا مفهوم خاص، بسته:

در معنای عام: کلیه اقدامات و تدابیری است که پیش یا پس از وقوع جرم برای مقابله با جرم اتخاذ می شود. پیشگیری پس از وقوع جرم برای دفعات بعدی یا تکرار جرم است که توسط مجرم یا دیگران صورت نگیرد و به صورت سرکوب گرایانه و کیفی است.

➤ **پیشگیری قبل از وقوع جرم:** غیر سرکوبگرایانه و برای عدم وقوع جرم است نه تکرار جرم، پس در معنای موسع یا عام پیشگیری اعم است از قبل و پس از وقوع جرم.

در معنای خاص یا (مضیق): پیشگیری یعنی کلیه اقدامات و تدابیر که پیش از وقوع جرم برای پیشگیری از فعلیت نیافتن جرم اتخاذ می شود. یک فرد خاص مخاطب نیست بلکه کل جامعه است و اقدامات غیر سرکوبگراییانه است.

نکته: آنچه در پیشگیری مدنظر ماست، پیشگیری خاص یا مضیق یا ممدود است.

✓ طبقه بندی پیشگیری:

پیشگیری را به طبقه های مختلفی تقسیم می کنند:

۱- طبقه بندی بر اساس نوع که خود به دو طبقه تقسیم می شود: **۱- پیشگیری: انفعالی** یعنی جلوی بزه‌دگی افراد را می گیریم نه جرم را مثل آنکه بزه‌دیده را از صحنه ارتکاب جرم دور کردن با قراردادن مأمور، دوربین و... **۲- پیشگیری فعال:** یعنی جرم را از اساس و ریشه بر می داریم مانند، فرهنگ سازی های اجتماعی، هزینه برای ازدواج، امر به معروف و نهی از منکر و...

۲- طبقه بندی بر اساس سن که نیز بر دو نوع است. **۱- پیشگیری اطفال بزهکار:** چون اطفال بزهکار مجرمان آینده را تشکیل می دهند، مخصوصاً در جامعه ما یک جمعیت عظیم هستند. **۲- پیشگیری بزرگسالان بزهکار:** در مقیقت این ها اطفال دیروز بوده اند.

۳- طبقه بندی بر اساس مراحل پیشگیری که به سه مرحله تقسیم می شود: **۱- پیشگیری اولیه:** که شامل عموم مردم می شود. مثل آموزش اشتغال، آگاهی های اجتماعی، درست کردن پارک، تفریحات سالم. **۲- پیشگیری ثانویه:** افراد در آستانه جرم را در بر می گیرد، یعنی افرادی که دارای حالت فطرنای اند که معمولاً نسبت به این افراد اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود، مانند بیمارستان های روانی، محل های ترک اعتیاد، ضبط اسلحه، توقیف خودرو و... **۳- مرحله پس از وقوع جرم:** در این مرحله اصلاح و درمان صورت می گیرد. در این مرحله بیش تر وارد مریم فصوصی افراد می شویم و سعی در تغییر شخصیت او می شود.

۴- طبقه بندی بر اساس موقعیت که خود به دو دسته تقسیم می شود: **۱- پیشگیری اجتماعی:** یعنی کلیه افراد که در یک جامعه وجود دارد و می تواند موجب وقوع جرم گردد. مانند، فرابی (رسانه ها)، اقتصاد فراب جامعه، مشکلات خانوادگی و فرهنگی آنها و... که به پیشگیری ریشه ای هم لقب داده اند. این پیشگیری بسیار هزینه بر است زمان زیاد می برد و دولت ها به سراغ آن نمی روند یا کمتر به سراغ آن می روند. **۲- پیشگیری موضعی یا وضعی:** منظور موقعیتی که جرم در آن ارتکاب می یابد و می فوایم این

موقعیت را تغییر دهیم. یعنی تغییر دادن موقعیت و وضعیت جرم را مانند نصب دوربین ها در فروشگاه ها، در بانک ها یا نصب دزدگیر.

۵- طبقه بندی بر اساس قواعد جرم که به دو دسته تقسیم می شود: ۱- **پیشگیری عمومی**: یعنی پیشگیری که قواعد ناظر بر همه جرائم را مد نظر قرار می دهد، هم قتل را هم اموال را مد نظر قرار می دهد. ۲- **پیشگیری اختصاصی**: فقط یک جرم خاص را مد نظر قرار می دهد. مثلاً کلاهبرداری

نکته: رویکرد ها و محورهای پیشگیری در طبقه بندی های فوق مختلف است. یعنی گاهی مجرم مدار است، گاهی معجرم مدار است، یعنی فقط توجه به جرم دارد. گاهی پزهدیده مدار است. گاهی محیط اجتماعی مدار است، گاهی اجتماع مدار است، گاهی ترکیبی است. از هر کدام از این پیشگیری ها ممکن است گاهی مجرم، پزهدیده را بررسی کنند تا بتواند جلوی وقوع جرم را بگیرند.

☑ **مبانی پیشگیری:**

منظور از مبانی یعنی ضرورت های تأسیس پیشگیری یعنی دنبال چرایی بودن ها، یعنی به دنبال واقعیت بودن.

مبنا های پیشگیری: ۱- مبارزه کیفری چون به دنبال معلول است نه علت با شکست مواجه شده است ۲- مبارزه کیفری چون هزینه بر است دلیلی است برای پیشگیری. ۳- ناکارآمدی پیشگیری کیفری در قطع جرایم: ثابت شده که پیشگیری بهتر از درمان است همه این استدلال ها، چرایی ها باعث شده که جوامع به سمت پیشگیری بروند.

☑ **اصول حاکم بر پیشگیری:**

اصل اول: حفظ حقوق و آزادی های مشروع فردی یعنی باید حقوق مردم را رعایت کنیم و هر برنامه ای که این حقوق را زیر پا می گذارد خودش جرم زان نیست و از آن دوری کنیم. پس ما در پیشگیری ها باید حفظ حقوق و آزادی های مشروع افراد را در نظر داشته باشیم.

اصل دوم: رعایت اولویت ها یعنی باید عوامل واقعه مجرمانه دقیقاً شناخته شود و اولویت بندی گردد که این عوامل مانند بزهدیده، بزهار، محیط، خانواده و...

اصل سوم: اصل عدم تعارض با ارزشهای واقعی یعنی پیشگیری‌ها باید برمبانی جامعه استوار شود، چون اگر مغایر با ارزش‌های اجتماعی باشد. خودش جرم‌زا است.

اصل چهارم: اصل آزمایش کردن روش‌ها، یعنی در پیشگیری اول باید در یک مقطع زمانی خاص، یا مکان خاص، پیشگیری آزمایش شود. اگر نتیجه مطلوب بود به صورت عام اجرا شود.

نکته: سوال، آیا اساساً پیشگیری از جرم امکان دارد یا خیر؟

نظرات مختلف است:

۱- **سزار لمبروزو معتقد است:** جرم یک پدیده ارثی است و پیشگیری تنها این است که ریشه مجرم را قطع کنیم و از بین ببریم که این همه امکان ندارد. مثلاً: در جرایم جنسی ایشان معتقد بود که مجرمان را باید عقیم کرد.

۲- **امیل دورکیم معتقد است:** وجود یک مقدار بزهکاری در جامعه ضروری و مفید است.

۳- **کارل ماکس معتقد است:** باید نظام طبقاتی از بین برود و هر نوع پیشگیری که منجر به بقاء نظام طبقاتی بشود جرم‌زاست.

نتیجه اینکه: پیشگیری از جرم به طور مطلق امکان‌پذیر نیست زیرا علل واقعه پدیده مجرمانه در هر مورد خاص برای ما روشن و واضح نیست و پیشگیری مبتنی بر علت‌شناسی جنایی است، علت‌شناسی جنایی هنوز به نتیجه نرسیده است. پس بهتر است که سرمایه‌گذاری بر روی پیشگیری برنامه‌ای شود در هر صورت تحقیقات نشان داده است که اگر برنامه‌های پیشگیری از جرم با یک سازماندهی درست باشد می‌تواند مفید باشد.

انواع پیشگیری:

۱- پیشگیری وضعی ۲- پیشگیری برنامه‌ای ۳- پیشگیری رسانه‌ای

منظور از پیشگیری وضعی یا موضعی، یعنی موقعیت وقوع جرم را جابجا کنیم. اولین بار این پیشگیری توسط محققان انگلیسی ارائه شد که مهمترین آنها کلارک بود آنها معتقد بودند برای پیشگیری از وقوع جرم باید به سراغ موقعیتی که جرم در آن رشد و نمو می یابد برویم یعنی محور پیشگیری وضعیت است.

✓ ویژگی های پیشگیری وضعی عبارتند از:

- ۱- براساسی وضعیت یا موقعیت جرم، پیشگیری طراحی می شود یعنی پیشگیری نسبی است.
- ۲- در پیشگیری وضعی دنبال پالایش و بهبود و تعالی سیستم هستیم و به دنبال فعلیت بخشیدن به اندیشه مجرمانه با ایجاد مانع هستیم. **مثال:** دوربین، مأمور، سرعت گیر، قفل کودک و...
- ۳- پیشگیری وضعی زایده عصر صنعت و تکنولوژی است. یعنی از فناوریهای نوین در پیشگیری وضعی استفاده می کنیم.
- ۴- پیشگیری وضعی برای یک جرم و برای شکل خاصی از آن جرم مطرح می شود.

نکته: پیشگیری وضعی از نظر کلارک شامل اقدامات و برنامه هایی که به منظور کاهش فرصت ارتکاب جرم است می باشد وی معتقد است این پیشگیری به شکل خاصی از جرم توجه دارد و متضمن دست کاری و تغییر و برنامه ریزی در محیط بلاواسطه جرم است که در حقیقت خطرات ارتکاب جرم افزایش می یابد یا دستاوردها و نتایج حاصل از جرم ناچیز به نظر می رسد.

✓ ارزشیابی پیشگیری وضعی:

- ۱- پیشگیری وضعی ریشه وقوع جرم را نشانه نمی رود یعنی با علل و عوامل اصلی جرم مبارزه نمی کند.
- ۲- در پیشگیری وضعی کاهش یک جرم ممکن است اتفاق بیافتد ولی در سطح کلان بزهکاری تغییر نمی کند چون باعث جابجایی جرم می شود.
- ۳- در پیشگیری وضعی هزینه های زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می کند چون هر روز تکنولوژی جدیدتری می آید.

۴-درپیشگیری وضعی بی عدالتی اجتماعی نادیده گرفته می شود لذا باید پیشگیری اجتماعی را هم کنارش بیاوریم.

❖ پیشگیری برنامه ای:

این نوع پیشگیری توسط کلارک ارائه شد و دارای ۴ برنامه به شرح زیر است:

۱- برنامه ای که محورش افزایش زحمت و تلاش برای دستیابی به هدف است. **مثلاً:** سخت کردن هدف ها و آرزوهای جرم .

مثل: نصب قفل، ایجاد گاو صندوق و ...

- کنترل ورودی ها مانند نصب نرده، کارت شناسایی روی سینه

- تغییر جهت دادن اعمال مجرمانه

- کنترل کردن و ایجاد محدودیت برای استفاده از ابزارهایی که می تواند در ارتکاب جرم به کارگرفته شود. **مثل:** مجوز حمل

اسلحه، نصب مزاحم یاب روی تلفن و...

۲- برنامه ای که برای ارتکاب جرم خطر را افزایش دهد مانند کنترل ورودیها و خروجی ها، نظارت رسمی **مثل** گشت پلیس در

بانکها ، نظارت از طریق کارکنان و کارمندان **مثل** کنترل اتوبوس ها و نصب دوربین و...

۳- برنامه هایی برای کاهش دستاورد ها و نتایج حاصل از جرم مانند شناسایی یا نشانه گذاری اموال، تفسیر آماج جرم، جهت

کاستن از جذابیت های وقوع جرم، جلوگیری از وقوع جرم مانند حک کردن بر چسبهای تجاری

۴- برنامه هایی برای حذف معاذیر و عواملی که وقوع جرم را تسهیل می کند مانند برقراری مقررات گمرکی یا تحریک وجدان

مردم، کنترل یا وضع قوانین خاص برای ارتکاب جرم، مانند تسهیل کنندگان قانونی مثل خانه های عفاف.

❖ پیشگیری رسانه ای:

رسانه وسیله ای است که پیام را به مخاطبان منتقل می کند.

✓ انواع رسانه ها:

صوتی، تصویری، مکتوب، شفاهی (تریبون آزاد)

نکته: رسانه یک ابزار مهم برای تحول ذهنی جامعه است و می تواند مانند شمشیر دو لبه باشد هم کاهش جرایم و هم افزایش جرایم.

✓ محتوای رسانه ها:

۱- محتوای برنامه یا پیام، همیشه مقصود گوینده با برداشت مخاطب یکی نیست و بیشتر متفاوت است و بستگی به بافتهای فکری و ذهنی مخاطب دارد چون بر اساس آن برداشت می نماید.

۲- شخصیت و علایق مخاطبان (پیام گیرندگان)

۳- نتایج و پیامدهای برنامه ها

✓ تأثیرات رسانه ها:

رسانه ها بیشتر بر قشر کودکان و نوجوانان و سپس بر قشر زنان و دختران تأثیر بیشتری می گذارد و علت آن وضعیت روحی و روانی است چون تلویزیون بیشتر نگاه می کنند.

✓ ویژگی های تلویزیون:

۱- آموزش جدید به افراد می دهد.

۲- یادآوری مطالب فراموش شده را انجام می دهد.

۳- یک نوع گسیختگی روانی و عاطفی می تواند ایجاد کند.

نکته: رسانه های محلی بسیار تأثیر گذارند چون می توانند متناسب با علایق و سلايق مخاطبان خود در پیشگیری از جرم تأثیر مستقیم داشته باشند.